

سبک های پردازش هویت: تعامل جنسیت و فرهنگ *

الهه حجازی ** معصومه فارسی نژاد***

چکیده:

به منظور مقایسه سبک های پردازش هویت بر مبنای جنس و فرهنگ، ۳۸۴ دانش آموز (۱۹۳ پسر و ۱۹۱ دختر) ساکن تهران و ۳۷۵ دانش آموز (۱۸۱ پسر و ۱۹۴ دختر) کرد زبان پایه دوم نظری به روش نمونه گیری طبقه ای چند مرحله ای انتخاب شدند. این دانش آموزان به سباهه تجدید نظر شده سبک های هویت (ISI-6G) (وایت و همکاران، ۱۹۹۸) پاسخ دادند. این سباهه سبک اطلاعاتی، هنجاری و مغشوش/اجتنابی و هم چنین تعهد هویت را مورد بررسی قرار می دهد. نتایج نشان از برتری پسران در سبک مغشوش/اجتنابی و برتری دختران در سبک اطلاعاتی در مقایسه با یکدیگر بود.

نتایج هم چنین نشان داد که دانش آموزان کرد زبان بطور معناداری بیش از دانش آموزان تهرانی از سبک مغشوش/اجتنابی و دانش آموزان تهرانی بیش از دانش آموزان کرد زبان از سبک هویت اطلاعاتی استفاده می کنند. بر اساس یافته ها اثر تعاملی جنسیت و فرهنگ بر هر سه سبک هویت معنادار بود.

بر اساس یافته ها می توان گفت که بافت فرهنگی و جنسیت از یک سو و تعامل فرهنگ و جنسیت از سوی دیگر بر شکل گیری هویت نوجوانان اثر دارد.

کلیدواژه ها: سبک های هویت، تعهد هویت، جنسیت، فرهنگ.

دریافت: ۸۹/۱۲/۱۲ پذیرش ۹۰/۳/۲۶

*این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی شماره ۵۱۰۱۰۱۵/۱/۰۱ است که با اعتبار ویژه معاونت پژوهشی دانشگاه تهران انجام شده است.

**دانشیار دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران

***دانشجوی دکتری روانشناسی تربیتی دانشگاه تهران

مقدمه و بیان مسأله

شکل‌گیری هویت و شناسایی عوامل مرتبط با آن همواره مورد توجه روان‌شناسان نحولی نگر بوده است. علت آن را شاید بتوان به نقش مؤثر هویت بر عملکرد فرد در حوزه‌های مختلف از جمله تحصیل، شغل و روابط بین فردی نسبت داد. اریکسون^۱ معتقد است که شکل‌گیری هویت به میزان زیادی به بافت اجتماعی که افراد در آن زندگی می‌کنند، وابسته است. بر همین اساس در مطالعه هویت باید به بافت فرهنگی، طبقه اجتماعی، قومیت و پیشینه تاریخی توجه داشت (کروگر^۲، ۱۹۹۳). در مطالعه حاضر با توجه به دیدگاه "هویت در بافت"^۳، سبک‌های پردازش هویت براساس بافت فرهنگی و جنسیت مورد بررسی قرار می‌گیرند.

شکل‌گیری هویت

اریکسون با تأکید بیش‌تر بر «من» به جای «نهاد» و با اهمیت دادن به نقش فرهنگ، جامعه و تاریخ مفهوم هویت یابی در مقابل سردرگمی هویت^۴ را به عنوان هسته اصلی نظریه روانی-اجتماعی خود ارائه داده است.

تبیینات آشکار اریکسون از فرایند شکل‌گیری هویت، چالشی را پیش روی محققانی که درصدد بررسی و درک این پدیده به طور تجربی هستند، قرار داده است (کروگر، ۱۹۹۶). مهم‌ترین بسط دیدگاه اریکسون، الگوی پایگاه هویت^۵ مارسیا^۶ (۱۹۸۰) است. مارسیا چهار پایگاه هویت (موفق^۷، دیررس^۸، زودرس^۹ و مغشوش^{۱۰}) را توصیف می‌کند که بر میزان کاوشگری^{۱۱} و تعهدی که نوجوان تجربه می‌کند یا کرده است، استوار هستند. کاوشگری به پرسیدن فعال و بررسی گزینه‌های هویتی گوناگون قبل از تصمیم‌گیری درباره ارزش‌ها، باورها و اهدافی که باید دنبال شوند، مرتبط است.

^۱-Erikson

^۲- Kroger

^۳-Identity-In-Context

^۴-Identity confusion

^۵-Identity status paradigm

^۶-Marcia

^۷-Achievement identity

^۸-Moratorium

^۹-Forclosure

^{۱۰}- Diffusion

^{۱۱}-Exploration

تعهد^۱ عبارت است از ایجاد انتخاب به نسبت محکم در یک حوزه هویتی و درگیر شدن در فعالیت های مهمی که در جهت انجام آن صورت می گیرد (کروستی^۲ و همکاران، ۲۰۰۹).

کروگر، مارتین یوسن^۳ و مارسیا (۲۰۰۹) با انجام یک فراتحلیل روی ۱۲۴ تحقیق طولی و مقطعی در زمینه تغییر در پایگاه های هویت، در فاصله سالهای ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۵، به این نتیجه رسیدند که نسبت میانگین مربوط به پایگاه هویت موفق و دیررس در طی زمان افزایش و نمرات مربوط به پایگاه هویت زودرس و مغشوش کاهش پیدا می کند. همین تحقیقات نشان دادند که درصد زیادی از افراد تا سنین اولیه بزرگ سالی به پایگاه هویت موفق نمی رسند.

نظریه پردازان دیگر، توجه خود را به فرایندهایی که سبب شکل گیری هویت می شود معطوف کرده اند (کرپمن، پیتمن و لامک^۴، ۱۹۹۷). برک^۵ (۱۹۹۷) یکی از نظریه پردازانی است که فرایند هویت را یک نظام کنترل- به خصوص یک نظام کنترل ادراک- می داند. براساس نظریه کنترل هویت، هویت یک مجموعه از معانی به کار گرفته برای "خود"^۶ در یک نقش یا موقعیت اجتماعی است که شخص را تعریف می کند و به عنوان هنجار یا مرجع به کار می رود. براساس نظر برک افراد در مواجهه با موقعیت های گوناگون به منظور هماهنگ کردن ادراک خویشتن با معیارهای درونی که برای خود دارند، به صورت خود تنظیم عمل می کنند. این خود تنظیمی به طور پیوسته در جریان است. بنابراین تنها زمانی که شرایط بهنجار و موافق با هنجارها در موقعیتی به هم بخورد، توجه افراد جلب می شود (استیتز، توشیما^۷، ۲۰۰۱). براساس نظریه کنترل هویت، شکل گیری هویت یک فرایند سیبرنتیک است. براساس این فرایند، بازخورد بین فردی دریافت شده، منجر به یک ادراک از خویشتن می شود. این ادراک، بوسیله مقایسه گر با درون داد هنجار هویت مقایسه می شود. زمانی که هنجار با ادراک خویشتن ناهماهنگ باشد، خطا یا اختلالی به وجود می آید که برای تأیید رفتار منجر به اصلاح هویت در هم ریخته قبلی می شود. برای این که اصلاح صورت گیرد، رفتار شناختی ممکن است ادراکات خویشتن را به طور منظم شکل دهد و یا رفتار اجتماعی ممکن است موقعیت بین فردی را تغییر دهد که منجر به بازخورهای اجتماعی جدید می شود.

^۱-commitment

^۲-Crocetti

^۳-Martinussen

^۴-Kerpleman, Pittman, & Lamke

^۵-Burk

^۶-Self

^۷-Stets, Tsushima

برزونسکی^۱ (۱۹۹۲) با استفاده از نظریه کنترل هویت، الگویی ارائه کرده است که بر تفاوت های فردی در زمینه پردازش شناختی- اجتماعی نوجوانان در رویارویی یا اجتناب از سازمان دهی یا باز سازمان دهی مسائل مربوط به هویت تأکید می کند.

برزونسکی (۲۰۰۳a) مفهوم هویت را یک نظریه راجع به خویشتن^۲ می داند و اظهار می کند افراد نظریه پردازانی هستند که در فرایند استدلال نظری مربوط به خود درگیرند. براساس این دیدگاه افراد به شیوه های متفاوتی به نظریه پردازانی راجع به خود می پردازند، یعنی افراد در چگونگی مواجهه و پردازش اطلاعات، تصمیم ها و تعارضات مرتبط با هویت، با هم تفاوت دارند. او سه سبک نظریه پردازانی را تشخیص داده است که عبارتند از علمی (اطلاعاتی)^۳، جزمی (هنجاری)^۴، موقعیتی (مغشوش / اجتنابی)^۵.

افرادی که از شیوه علمی استفاده می کنند اطلاعات مدار هستند و همواره یک نگرش همراه با تردید درباره خودشان دارند. آنان به جستجو، پردازش و ارزیابی اطلاعات مربوط به خود می پردازند و همواره درگیر یک فرایند خود کاوشگری فعال هستند. محتوی هویت این افراد بیش تر شخصی (مثل اهداف، ارزش ها و معیارهای خودشان) است و میزان بازخوردهای مربوط به خود را که منجر به تأکید دیدگاه های شخصی آنان می شود، اساس خود ارزیابی ها قرار می دهند.

افرادی که به سبک جزمی و هنجاری عمل می کنند همواره با تجارب و انتظارات افراد مهم زندگی خود (مثل والدین) هم نوایی می کنند. این افراد تلاش می کنند تا ساختارهای مربوط به خود را که از قبل موجود است، حفظ کنند و در مقابل تهدیدات بالقوه مرتبط با ساختارهای موجود، از طریق پاسخ های قالبی و تمرینات شناختی به دفاع می پردازند. محتوی هویت این افراد مبتنی بر عناصر خود جمعی (مثل خانواده، مذهب و یا کشور) است. معیار ارزشی این نوجوانان، ارزش ها و انتظارات افراد مهم زندگی آنان است و هدف آنان بر مبنای افزایش عزت نفس جمعی- بطور مثال از طریق مقایسه گروه هایی که آنان را از سایر افراد متمایز می کند- تنظیم شده است.

افرادی که به سبک موقعیتی راجع به خود نظریه پردازانی می کنند به طور دائم براساس تقاضاهای محیطی واکنش نشان می دهند. این افراد جهت گیری مغشوش یا اجتنابی نسبت به اطلاعات مرتبط

^۱-Berzonsky

^۲-self theory

^۳-Informational

^۴-Normative

^۵-Diffuse-avoidant

با خود دارند. درک این افراد از هویت مبتنی بر عناصر خود اجتماعی (مثل محبوبیت، شهرت و تأثیر روی دیگران) است. خود ارزیابی های این افراد براساس انتظارات فوری، موردی و تقاضاهای موقعیتی است.

در الگوی پایگاه های ۴ گانه هویت، تعهد معادل ساختار تعریف شده است (برزونسکی، ۲۰۰۳b). براساس نظر بریکمن^۱ (۱۹۸۷، به نقل از برزونسکی، ۲۰۰۳b) "تعهد به رفتار فرد تحت شرایطی که او سعی دارد طور دیگری عمل کند، ثبات می بخشد". تعهد یک چارچوب ارجاعی جهت دار و هدف مند ایجاد می کند که رفتار و بازخوردهای آن در درون این چارچوب بازبینی، ارزیابی و تنظیم می شود. مطالعات برزونسکی (۱۹۹۰) ثابت کرده است که تعهد هویت با سبک های پردازش هویت رابطه دارد. افرادی که فرایندهای اطلاعاتی و هنجاری را به کار می گیرند، تعهدات قوی تری نسبت به افراد با سبک مغشوش / اجتنابی دارند.

فرهنگ و شکل گیری هویت

اریکسون (۱۹۶۹) معتقد است که نوجوانان قبل از دسترسی به یک تعهد به نسبت پایدار و احساس هویت ایمن، نقش های بدیل و الگوهای همانندسازی را که جامعه در دسترس آنان قرار می دهد، تجربه می کنند. بر همین اساس از نظر بومیستر و ماراوین^۲ (۱۹۹۶) جامعه نقش تاثیرگذاری در خلق و شکل دهی هویت دارد، به طوری که می توان هویت را نوعی سازگاری با بافت^۳ اجتماعی - فرهنگی دانست. فرهنگ، تاریخ و ساختار روابط اجتماعی بافتی را ایجاد می کنند که در آن انتظارات و نیازهایی که براساس آن هویت افراد شکل می گیرد، تعیین می شود (کوته، لوین^۴، ۲۰۰۲). بنابراین تفاوت هویتی در جوامع مختلف بر اساس ارزشهای فرهنگی خاص ایجاد و گسترش پیدا می کند (آدامز، مارشال^۵، ۱۹۹۶). برای مثال در جوامع سنتی از نوجوان این انتظار وجود دارد که هویت زودرس یا هنجاری داشته باشد در حالی که جوامع مدرن و در حال گذار نوجوانان را بسوی هویت دیررس و اطلاعاتی هدایت می کنند (سالمنتوس - کانتوری، موری^۶، ۲۰۰۸).

^۱-Brickman

^۲-Baumeister, Muraven

^۳-adaptation to context

^۴-Cote, Levin

^۵-Adams, Marshal

^۶-Solomontos-Kountouri, Murry

از نظر یودر^۱ (۲۰۰۰) تفاوت در فرایند شکل‌گیری هویت می‌تواند به بافت و محدودیت‌های زمانی خاص مانند موقعیت اجتماعی_اقتصادی، فرصت‌های آموزشی، موانع سیاسی، مذهب و جنسیت که از بیرون بر افراد تحمیل می‌شود و تعهد و کاوشگری آنان را در این حوزه‌ها محدود می‌کند، مرتبط باشد. برای مثال در گروه‌های اقلیت قومی - فرهنگی که در آن ارزشهای هنجاری مرتبط با نقش‌های جنسیتی حاکم است، دختران برای داشتن هویت هنجاری تشویق و از دستیابی به هویت موفق یا اطلاعاتی منع می‌شوند. علاوه بر این کروگر (۱۹۹۶) معتقد است که در طول نوجوانی، والدین، هم‌سالان و نظام‌های تربیتی، مذهبی، سیاسی و قانون نقش‌حیاتی در شکل‌گیری هویت دارند. این نظام‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای اعضای جوان‌تر خود را تنظیم می‌کنند و برچسب‌هایی که این نظام‌ها به مسائل نوجوانی می‌زنند، در نهایت ممکن است مانع از این شود که علایق نوجوانانی که در جستجوی تعریف خود هستند، به بهترین وجه برآورده شود. کولی^۲ و همکاران (۲۰۱۰) در تحقیق خود روی زنان جوان آشوری که به نیوزیلند مهاجرت کرده بودند، به این نتیجه رسیدند که زنان جوان مهاجر سعی می‌کنند تنش بین فرهنگ قومی و ملی خود را از طریق ادغام آن‌ها با یکدیگر یا استفاده از نشانه‌های هر کدام با توجه به موقعیت حل کنند، بنابراین در دو موقعیت هویتی - حالت هویت سردرگم یا اطلاعاتی - قرار می‌گیرند. این یافته در مورد نوجوانان دختر مسلمان انگلیسی پاکستانی تبار نیز صادق است (هاتنیک، کوران استریت^۳، ۲۰۱۰). آنان در میان گرایش به هویت فردی و نفی هویت قومی از یک سو و انتظارات والدین که با نفی استقلال فردی همراه است، از سوی دیگر، هویت جدیدی را برای خود ترسیم کرده‌اند. یافته‌های احمدلو (۱۳۸۱)، قانعی راد، موسوی، حمیدیان (۱۳۸۷) نیز نشان داده است که میزان تبعیت دو جنس در مورد پذیرش ارزش‌های فرهنگی متفاوت است و دختران کمتر از پسران با ارزش‌های فرهنگی که مانع از کسب هویت رشد یافته آنان می‌شود، همانند سازی می‌کنند.

جنسیت و شکل‌گیری هویت:

^۱-Yoder

^۲-Collie

^۳-Hutnik , Coran Street

از نظر مارسیا (۱۹۸۰)، نگرانی های غالب دختران در دوران بلوغ، شغل و ایدئولوژی نیست بلکه آنان بیش تر به ایجاد و حفظ روابط بین فردی فکر می کنند؛ در حالیکه پسران بیش تر به گرفتن تصمیماتی ترغیب می شوند که منجر به تعارضات بین فردی می شود، دختران همیشه ترغیب می شوند که به صورت یک فرد قابل قبول خود را ارائه کنند و از آنان انتظار می رود که در روابط بین فردی مهارت پیدا کنند و این مساله، فرایند هویت را به تأخیر می اندازد. از نظر مارسیا فرایند شکل گیری هویت در زنان طولانی تر از مردان است. براساس نظر بسیاری از نظریه پردازان

(دوان، آدلسون، ۱۹۹۶، گیلیگان، ۱۹۸۲، مک کینی، و گل، ۱۹۸۷، به نقل از آرشر^۱، ۱۹۸۹) هویت در پسران، بر صمیمیت^۲ مقدم است، به طوری که اریکسون در نظریه خود فرض کرد که برای زنان صمیمیت بیش از هویت اهمیت دارد. آرشر (۱۹۸۹) در سه مطالعه پی در پی به بررسی نقش جنسیت در شکل گیری هویت پرداخت. او تفاوت های دو جنس را در فرایندها، حوزه ها و زمان بندی هویت مورد مطالعه قرار داد و نتیجه گرفت پسران و دختران از فرایندهای مشابهی در حوزه انتخاب شغل، باورهای مذهبی و نقش جنسیتی استفاده می کنند. در حوزه ایدئولوژی سیاسی، احتمالاً پسران بیش تر از هویت دیررس و دختران بیش تر از هویت مغشوش برخوردارند. در حوزه نقش های خانوادگی، دختران بیش تر از پسران پایگاه هویت موفق دارند. در هیچ یک از مطالعات، از نظر زمان بندی هویتی، تفاوتی در دو جنس مشاهده نشد.

شارپ^۳ و همکاران (۲۰۰۷) در تحقیق خود به بررسی تفاوت های مربوط به جنس در یک نمونه از نوجوانان و افراد در اوایل بزرگ سالی در سه کشور آمریکا، ایتالیا و شیلی پرداختند. یافته های آنان نشان داد که مردان و زنان سه کشور در زمینه انواع فعالیت های مربوط به تعریف خود تفاوتی ندارند. اما تفاوت های جنسیتی در تجربه های گزارش شده مربوط به هویت در درون این فعالیت ها مشاهده می شود. یافته های پژوهش فارسی نژاد (۱۳۸۳)، حجازی، فرتاش (۱۳۸۵) نشان می دهد که دختران نسبت به پسران بیش تر از سبک هویت اطلاعاتی استفاده می کنند و تفاوت دو جنس در استفاده از سبک هویت هنجاری معنادار نیست. در پژوهش فارسی نژاد (۱۳۸۳) و برزونسکی (۲۰۰۸) پسران نمرات بالاتری در سبک مغشوش/اجتنابی نسبت به دختران کسب کرده اند ولی یافته حجازی

^۱-Archer

^۲-Intimacy

^۳-Sharp

فرتاش (۱۳۸۵) به تفاوت نداشتن این سبک در میان دو جنس اشاره دارد. بر همین اساس می توان گفت که یافته های پژوهشی در مورد تفاوت دو جنس در هویت هماهنگ نمی باشد. با توجه به شواهد ذکر شده، به نظر می رسد که فرهنگ و جنسیت بر فرایند شکل گیری هویت نقش داشته باشند، اما این نقش در جامعه ما چگونه است؟ همان گونه که شوارتز^۱ (۲۰۰۵) بیان می کند، مطالعه فرایند شکل گیری و تحول هویت در بافت های فرهنگی مختلف این امکان را فراهم می کند تا دانش موجود در مورد تعامل فرایند فرهنگ و هویت یابی افزایش پیدا کند. کشور ما جامعه ای با دو ویژگی اساسی است: دارا بودن تنوع فرهنگی و قومی و در حال گذار بودن از سنت به مدرنیته. باید توجه داشت که آهنگ تغییرات در تمام نقاط کشور ما به یکسان رخ نمی دهد، برای مثال کلان شهرها اولین نقاطی هستند که دستخوش بیشترین تغییر می شوند و مناطق قومی - فرهنگی با سرعت کم تری این تغییرات را تجربه می کنند. با توجه به این ویژگی ها مطالعه حاضر به دنبال دستیابی به اهداف زیر است:

- ۱- مقایسه سبک های هویت دختران و پسران با توجه به فرهنگ (کرد و فارس زبان)
- ۲- مقایسه سبک های هویت و تعهد هویت نوجوانان بر حسب فرهنگ (کرد و فارس زبان)
- ۳- شناسایی اثر تعاملی جنس و فرهنگ بر سبک های پردازش و تعهد هویت.

روش شناسی

با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی چند مرحله ای، از بین دانش آموزان سال دوم دبیرستان های دولتی شهر تهران، تعداد ۴۳۰ نفر دختر و پسر و از بین دانش آموزان سال دوم دبیرستان های دولتی شهر سنندج در همان سال تحصیلی، تعداد ۴۰۰ نفر دختر و پسر انتخاب شدند. بعد از حذف پرسشنامه های مخدوش و ناقص، در نهایت داده های مربوط به ۳۸۴ دانش آموز فارس زبان تهرانی (۱۹۳ پسر و ۱۹۱ دختر) و ۳۷۵ دانش آموز (۱۸۱ پسر و ۱۹۴ دختر) کرد زبان اهل سنندج مورد تحلیل قرار گرفتند.

ابزار گردآوری داده ها

سیاهه سبک های هویت^۲ (ISI-۶G)

^۱-Schwartz

^۲ - Identity Style Inventory- ۶ Grade

این ابزار توسط برزونسکی در سال ۱۹۸۹ ساخته شد و به وسیله وایت^۱ و همکارانش (۱۹۹۸) مورد تجدید نظر قرار گرفت. سیاهه تجدیدنظر شده سبک های هویت به شیوه ای تنظیم شده است که افراد حتی با میزان تحصیلات ابتدایی قادر به پاسخ گویی به آن باشند. در مطالعه حاضر به دلیل داشتن نمونه کرد زبان، استفاده از این نسخه اولویت بیش تری داشت. این سیاهه حاوی ۴۰ گویه است که ۱۱ گویه آن به سبک هویت اطلاعاتی، ۱۰ گویه به سبک هویت مغشوش / اجتنابی و ۹ گویه به سبک هویت هنجاری اختصاص دارد و ۱۰ گویه برای تعهد هویت منظور شده است. پیوستار پاسخ ها بر پایه طیفی از کاملاً مخالف، تا حدودی مخالف، مطمئن نیستم، تا حدودی موافق و کاملاً موافق رتبه بندی شده است و به ترتیب نمره های یک، دو، سه، چهار و پنج به هر گزینه اختصاص پیدا کرده است.

وایت و همکارانش (۱۹۹۸) ضریب قابلیت اعتماد^۲ برای هر یک از سبک های هویت اطلاعاتی، هنجاری و مغشوش و تعهد هویت را به ترتیب ۰/۵۹، ۰/۶۴، ۰/۷۸ و ۰/۷۶ به دست آوردند. در پژوهش حاضر ضریب قابلیت اعتماد برای خرده مقیاس های سبک هویت اطلاعاتی ۰/۷۵، سبک هویت هنجاری ۰/۶۳، سبک هویت مغشوش اجتنابی، ۰/۶۸ و تعهد هویت ۰/۷۰ به دست آمد. اعتبار^۳ این ابزار به وسیله حجازی و همکاران (۲۰۰۹) از طریق تحلیل عامل تأییدی، تأیید شده است.

روش اجرای پژوهش

نخست سیاهه سبک های هویت به صورت مقدماتی در میان تعدادی از دانش آموزان کرد زبان اجرا شد تا وضعیت درک مطلب ابزار بررسی شود. پس از آن ابزار در میان نمونه اصلی اجرا شد. برای جمع آوری داده ها، توضیحاتی به دانش آموزان راجع به ابزار، هدف و روند مطالعه، ضرورت دقت در پاسخ گویی و اهمیت همکاری ارائه شد. به منظور جلوگیری از ایجاد حساسیت و انحراف در پاسخ ها به جای کلمه هویت از عبارت ویژگی ها و عقاید فردی استفاده شد. شرایط اجرا در هر دو مکان (سنندج و تهران) یکسان بود. برای پاسخ گویی هیچ گونه محدودیت زمانی در نظر گرفته نشده بود و اجرای پرسشنامه به طور متوسط ۳۰ دقیقه طول کشید.

یافته ها

^۱_White

^۲-Reliability

^۳-Validity

برای دستیابی به اهداف پژوهش، پس از محاسبه آماره های توصیفی، از تحلیل واریانس چند متغیری (مانوا) استفاده شد. شاخص های توصیفی در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱: شاخص های توصیفی متغیرهای پژوهش به تفکیک جنس و فرهنگ

انحراف معیار		میانگین		انحراف معیار		میانگین		
فارس	کرد	فارس	کرد	پسر	دختر	پسر	دختر	
۰/۴۹	۰/۵۲	۳/۹۳	۳/۸۵	۰/۵۱	۰/۵۱	۳/۵۷	۳/۹	سبک هویت اطلاعاتی
۰/۶۳	۰/۵۹	۳/۳۱	۳/۲۲	۰/۶۵	۰/۶۵	۳/۳۶	۳/۱۷	سبک هویت هنجاری
۰/۶۵	۰/۵۶	۲/۶۹	۳/۳۹	۰/۶۳	۰/۶۲	۲/۵۶	۲/۰۲	سبک هویت مغشوش
۰/۶۵	۰/۵۳	۳/۷۱	۳/۷۵	۰/۵۶	۰/۶۲	۳/۷۸	۳/۶۸	تعهد هویت

برای مقایسه سبک های هویت در دو جنس و در دو فرهنگ از تحلیل واریانس چند متغیره استفاده شد. برای انجام تحلیل واریانس چند متغیره نخست مفروضه های آن بررسی شد. در این راستا آزمون کولموگروف- اسمیرنوف برای بررسی شرط نرمال بودن توزیع متغیرها نشان داد که این مفروضه برقرار است. برای بررسی مفروضه زیربنایی تقارن مرکب ماتریس واریانس - کواریانس از آزمون ام.باکس استفاده شد. نتایج این آزمون معنادار شد ($F=۲/۳۱۳$ و $P=۰/۰۰$) اما با توجه به برابری نسبی تعداد اعضای گروه، تخطی از این مفروضه نتایج را خدشه دار نمی کند. آماره های چهارگانه مربوط به آزمون مانوا^۱ برای اثر جنس، اثر فرهنگ و اثر تعامل جنس و فرهنگ همگی معنادار شدند. اما به دلیل مقاوم بودن آماره لامبدای ویلکز، نتایج آن گزارش می شود.

جدول ۲: آزمون تحلیل واریانس چند متغیره برای بررسی اثر جنس و فرهنگ بر سبک های هویت

^۱-Manova

اثر	آزمون	F	Sig.
فرهنگ	لامبدای ویلکز	۸/۲۷	۰/۰۰
جنس	لامبدای ویلکز	۱۵/۷۹	۰/۰۰
جنس. فرهنگ	لامبدای ویلکز	۷/۸	۰/۰۰

با توجه به نتایج جدول ۲ اثر فرهنگ ، اثر جنس و اثر تعامل فرهنگ و جنس بر سبک های هویت معنادار است.

جدول ۳: آزمونهای تحلیل تک متغیره در بررسی اثر جنس و فرهنگ بر سبک ها و تعهد هویت

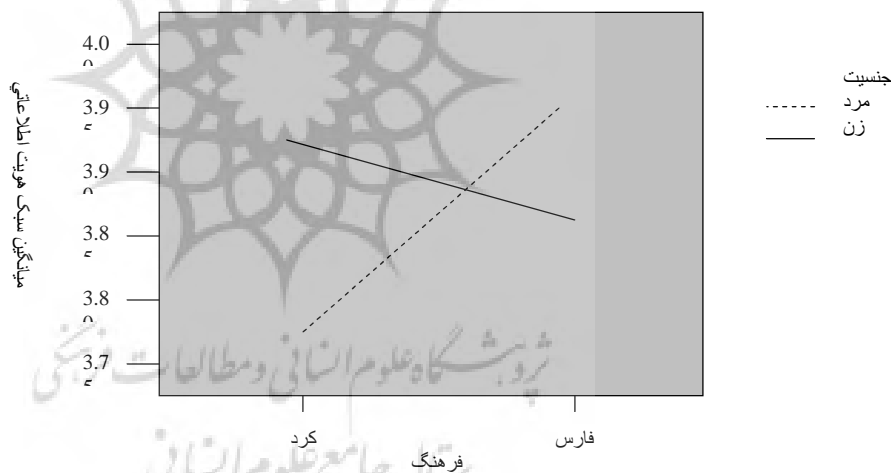
اثر	متغیر وابسته	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری F
فرهنگ	سبک اطلاعاتی	۱/۳۳۸	۱	۱/۳۳۸	۵/۱۹۹	۰/۰۲۳
	سبک هنجاری	۱/۲۴۹	۱	۱/۲۴۹	۳/۴۸۷	۰/۰۶۲
	سبک مغشوش/اجتنابی	۱۷/۹۹۲	۱	۱۷/۹۹۲	۴۸/۸۱۳	۰/۰۰۰
	تعهد هویت	۰/۳۷۷	۱	۰/۳۷۷	۱/۰۶	۰/۳۰۳
جنس	سبک اطلاعاتی	۰/۱۶۱	۱	۰/۱۶۱	۱۹/۱۲۴	۰/۰۰۰
	سبک هنجاری	۶/۸۴	۱	۶/۸۴	۰/۶۲۴	۰/۴۳۰
	سبک مغشوش/اجتنابی	۰/۱۶۷	۱	۰/۱۶۷	۶/۱۷۸	۰/۰۱۳
	تعهد هویت	۲/۱۸۸	۱	۲/۱۸۸	۰/۴۵۴	۰/۵۰۱
جنس× فرهنگ	سبک اطلاعاتی	۲/۱۱۴	۱	۲/۱۱۴	۸/۳۱۲	۰/۰۰۴
	سبک هنجاری	۸/۳۲۱	۱	۸/۳۲۱	۲۳/۲۲۸	۰/۰۰۰
	سبک مغشوش/اجتنابی	۱/۸۶۲	۱	۱/۸۶۲	۵/۰۵۲	۰/۰۲۵
	تعهد هویت	۰/۸۶۴	۱	۰/۸۶۴	۲/۴۴۰	۰/۱۱۹

نتایج آزمون تک متغیره (جدول ۳) نشان داد که تفاوت دو گروه کرد و فارس از نظر سبک هویت اطلاعاتی ($F = ۵/۱۹۹, P < ۰/۰۵$) و سبک هویت مغشوش ($F = ۴۸/۸۱۳, P < ۰/۰۱$) معنادار است. مقایسه میانگین های مربوطه نشان می دهد که دانش آموزان فارس در مقیاس سبک هویت اطلاعاتی ($M = ۳/۹۳$) نسبت به دانش آموزان کرد ($M = ۳/۸۵$) عملکرد بهتری دارند. همچنین نتایج بیانگر برتری نمرات دانش آموزان کرد ($M = ۳۹/۳$) در سبک هویت مغشوش نسبت به نمرات

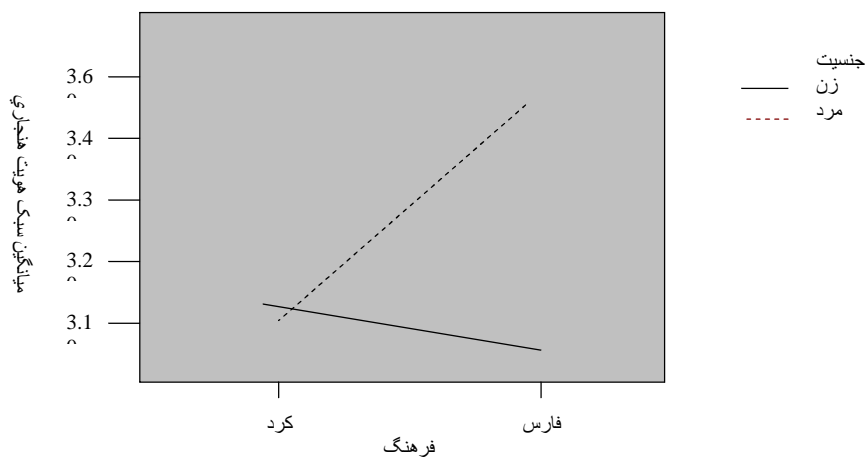
دانش آموزان فارس ($M = 2/69$) است. این دو گروه از نظر سبک هویت هنجاری و تعهد هویت تفاوت معناداری نشان ندادند.

مقایسه پسران و دختران در آزمون های تک متغیره نشان داد که این دو گروه از نظر سبک هویت هنجاری و تعهد هویت با هم تفاوت معناداری ندارند، اما تفاوت آن ها در سبک هویت اطلاعاتی ($P < 0/001, F = 19/104$) و سبک مغشوش/اجتنابی ($P < 0/013, F = 6/178$) معنادار است. مقایسه میانگین نمرات پسران ($M = 3/57$) با دختران ($M = 3/9$) در مقیاس سبک اطلاعاتی بیانگر برتری دختران و مقایسه آنان ($M = 2/56$) با دختران ($M = 2/02$) در مقیاس سبک مغشوش / اجتنابی بیانگر برتری پسران در این مقیاس است.

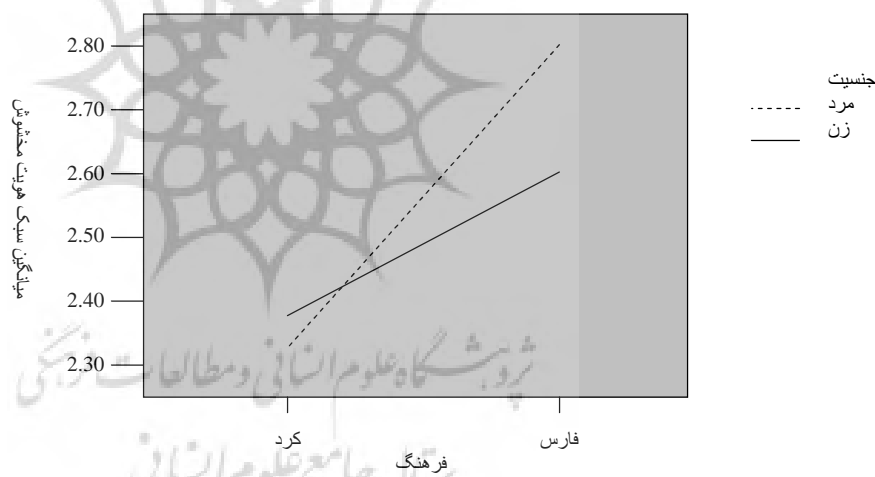
بررسی اثرات تعاملی جنس در فرهنگ نشان می دهد که این اثرات در رابطه با هر سه سبک هویت معنادار اما در رابطه با تعهد هویت معنادار نیست. در ادامه نمودارهای مربوط به این اثرات بررسی می شود.



همان طور که ملاحظه می شود در سبک اطلاعاتی پسران فارس از پسران کرد نمرات بالاتری کسب کردند و این در حالی است که نمرات دختران کرد در این مقیاس کمی از نمرات دختران فارس بالاتر است.



با توجه به نمودار اثرات تعاملی مربوط به سبک هنجاری، در این مقیاس پسران فارس از پسران کرد و دختران کرد از دختران فارس نمرات بالاتری کسب کردند.



همان طور که در نمودار فوق مشاهده می شود در مقیاس سبک هویت مغشوش، دختران کرد از پسران کرد نمرات بالاتری کسب کردند و لی در دانش آموزان فارس این برتری متعلق به پسران است.

نتیجه گیری

به طور کلی یافته های این پژوهش نشان داد که سبک های پردازش هویت تحت تأثیر فرهنگ و جنسیت و تعامل فرهنگ و جنسیت قرار دارد.

براساس یافته‌ها بین دو جنس از نظر سبک‌های هویت تفاوت وجود دارد و دختران بیش‌تر از پسران از سبک‌اطلاعاتی استفاده می‌کنند.

این یافته با بخشی از نتایج تحقیق اسمیت و همکاران (۲۰۰۸)، حجازی، فرتاش (۱۳۸۵)، فارسی نژاد (۱۳۸۳) و برزونسکی (۱۹۹۲، ۲۰۰۳b) همخوان است. برزونسکی علت این تفاوت را مشارکت بیش‌تر زنان در شبکه‌ها و گروه‌های اجتماعی مطرح می‌کند و معتقد است که عضویت در گروه‌های اجتماعی باعث افزایش رفتارهای هدف‌مند و خودجوش می‌شود و همین ویژگی امکان دستیابی زنان به سبک‌هویت اطلاعاتی را افزایش می‌دهد. اما می‌توان تبیین‌ات دیگری نیز با توجه به بافت فرهنگی ایران مطرح کرد. تحولات اجتماعی سال‌های اخیر و موفقیت‌های زنان در عرصه‌های اجتماعی و به ویژه آموزشی موجب تقویت انگیزه موفقیت و پیشرفت در دختران شده است. شرط دست پیدا کردن به موفقیت داشتن خودباوری و عاملیت یا به عبارت دیگر کاوشگری در مورد توانایی‌های خود است. بر همین اساس دختران بیش‌تر از پسران به دنبال ترسیم موقعیت‌های جدید برای خود هستند. بنابراین در سبک‌هویت اطلاعاتی نسبت به آنان برتری دارند. یافته‌ها هم چنین نشان داد که پسران بطور معناداری بیش‌تر از دختران از سبک‌مغشوش/اجتنابی استفاده می‌کنند. این یافته با یافته‌های فارسی نژاد (۱۳۸۳) و برزونسکی (۲۰۰۸) همخوان است. برزونسکی برتری نمرات پسران در سبک‌مغشوش/اجتنابی را به تفاوت در فرایندهای جامعه‌پذیری نقش‌جنسی مرتبط

می‌داند و معتقد است که در دوران کودکی برای پسران نسبت به دختران آزادی بیش‌تر و محدودیت کم‌تری در نظر گرفته می‌شود. شاید به همین دلیل است که پسران کم‌تر از دختران به دنبال دستیابی اطلاعات در مورد خود و تعریف نقش‌های جدید هستند. برتری پسران در سبک‌مغشوش/اجتنابی در جامعه ما می‌تواند ناشی از آن باشد که در جامعه ما مسؤولیت اصلی خانواده بر عهده مردان است و از پسران این انتظار وجود دارد که برای احراز این مسؤولیت و ایفای نقش آماده شوند؛ اما نبود تناسب بین تحصیل، شغل و درآمد می‌تواند منجر به ایجاد یک وضعیت دوگانه و مغشوش در آنان شود.

یافته‌ها هم چنین بیانگر برتری سبک‌اطلاعاتی در میان نوجوانان فارس زبان و مغشوش/اجتنابی در میان نوجوانان کرد زبان است. اما در بررسی یافته‌های اثرات تعاملی جنس و فرهنگ تفاوت در هر سه سبک‌هویت مشاهده می‌شود. بر اساس نمودار یک مشاهده می‌شود که دختران کرد و پسران فارس زبان به طور معناداری بیش‌تر از پسران کرد دارای سبک‌هویت اطلاعاتی هستند؛ به عبارت دیگر می‌توان گفت که تاثیر جنس بر هویت بر اساس فرهنگ متفاوت است. یودر (۲۰۰۰) معتقد

است که برخی محدودیتها مثل جنسیت و فرصت های آموزشی، می تواند فرایند دستیابی به هویت رشد یافته را به تاخیر اندازد. در همین رابطه بومیستر و ماراوین (۱۹۹۶) معتقدند که آموزش نقش مهمی در رفع محدودیت های هویت دارد زیرا نوجوانان با دسترسی به آموزش دنیای آینده و هویت شغلی خود را ترسیم و خود را از محدودیت های خانوادگی و جنسیتی رها می کنند. به نظر می رسد که دختران کرد زبان با توجه به تحولات اجتماعی از یک سو و دسترسی به فرصت های آموزشی از سوی دیگر توانسته اند تا این محدودیت ها را به فرصت تبدیل کنند. به عبارت دیگر دختران کرد به دنبال یافتن اطلاعات برای بازتعریف خود هستند. از طرف دیگر شاید بتوان گفت که دختران نسبت به ارزش های فرهنگی که بر رفتارهای قومی تاکید دارند و زنان را به داشتن هویت هنجاری تشویق می کنند، مقاومت نشان می دهند و با کاوشگری تلاش می کنند تا اطلاعات بیش تری در مورد خود و توانایی های خود کسب کنند؛ به عبارت دیگر دختران در صدد کسب تعهد براساس کاوشگری هستند. این یافته با نتایج احمدلو (۱۳۸۱)، قانعی راد، موسوسی، حمیدیان (۱۳۸۶) همخوان است. این پژوهشگران نیز دریافته اند که دختران کم تر از پسران به رفتارهای قومی تمایل نشان می دهند و هویت قومی ضعیف تری در مقایسه با پسران دارند.

براساس یافته ها پسران فارس زبان اطلاعاتی تر از پسران کرد زبان هستند. آنان هم چنین در سبک هنجاری و مغشوش/اجتنابی نیز بر پسران و دختران کرد و دختران فارس زبان برتری دارند. این یافته ها با توجه به بافت پیچیده فرهنگی تهران قابل تبیین است. تهران از خرده فرهنگهای مختلفی تشکیل شده است که از یک سو گزینه ها و اطلاعات بیش تری را در اختیار نوجوانان به خصوص پسران قرار می دهد و از سوی دیگر بر جنبه های استقلال فردی و خودمختاری بیش تر تأکید دارد. در این صورت امکان گرایش نوجوانان به ویژه پسران به سوی سبک اطلاعاتی (جستجو و انتخاب فعال اطلاعات، اعتماد به قضاوت های خود و تصمیم گیری مستقل) بیش تر فراهم می شود. در این بافت پیچیده اطلاعاتی اگر براساس نظر برک (۱۹۹۷) یک مقایسه گر مشخص وجود نداشته باشد، یعنی فرد در مواجهه با موقعیت های جدید ابزار مناسب و بازخورد اصلاح گر در اختیار نداشته باشد ممکن است دچار سردرگمی شود. به نظر می رسد که این پدیده برای پسران بیش تر از دختران صادق باشد.

براساس یافته ها پسران کرد زبان نیز بیش تر از دختران کرد و فارس از سبک هویت هنجاری استفاده می کنند. در تبیین این یافته شاید بتوان گفت در فرهنگی که تاکید بر حفظ سنت ها دارد و جایگاه خاصی برای مردان قایل است، نوجوانان پسر با درونی کردن این ارزش ها و حفظ هویت

فرهنگی، ترجیح می دهند که سبک پردازش هویت هنجاری داشته باشند و به این ترتیب درگیری و تعارض کم تری را نیز تجربه کنند. به عبارت دیگر هویت آنان در راستای سازگاری با بافت فرهنگی آنان است.

یافته های این پژوهش نشان داد که بررسی هویت دختران و پسران باید در بافت فرهنگی آن مورد مطالعه قرار گیرد. بنابراین برای داشتن تصویری از وضعیت هویتی نوجوانان، ضروری است تا مطالعات آینده به مقایسه سبک های هویت نوجوانان اقوام ایرانی با نوجوانان ساکن در قسمتهای مرکزی کشور بپردازد تا درک بیش تری از تاثیر خرده فرهنگها و قومیت ها بر شکل گیری هویت بدست آید. این دانش می تواند منجر به ارائه راهکارهایی برای مداخلات فرهنگی، آموزشی و درمانی در این زمینه شود.

منابع

احمدلو، حبیب (۱۳۸۱)، "رابطه هویت ملی و هویت قومی در بین جوانان تبریز"، *فصلنامه مطالعات ملی، سال چهارم، ۱۳، ۳۵-۲۰*.

حجازی، الهه، فرناش، سهیلا (۱۳۸۵)، "تفاوت های جنسیتی در سبک های هویت، تعهد و کیفیت دوستی"، *پژوهش زنان، ۱۵، ۶۱-۷۶*.

فارسی نژاد، معصومه (۱۳۸۳)، "بررسی رابطه سبکهای هویت با سلامت اجتماعی و خودکارآمدی تحصیلی در دانش آموزان دختر و پسر پایه دوم دبیرستانهای شهر تهران"، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی.

قاتعی راد، محمد امین، موسوی، سبذ، یعقوب، حمیدیان، اکرم (۱۳۸۶)، "جنسیت و هویت قومی (نمونه شهر خرم آباد)"، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت معلم، ۱۵، ۱۹۰-۱۶۷*.

- Archer, S. L. (۱۹۸۹). "Gender differences in identity development: Issues of process, domain and timing". *Journal of Adolescence*, 12, 117-138.
- Adams, G.R., Marshall, S.A. (۱۹۹۶), "A developmental social psychology of identity: understanding the person –in –context", *Journal of Adolescence*, 19, 429-442.
- Baumeister, R.F., Muraven, M. (۱۹۹۶), "Identity as adaptation to social, cultural, and historical context", *Journal of Adolescence*, 19, 405-416.
- Berzonsky, M.D. (۲۰۰۸). "Identity formation: The role of identity processing style and cognitive processes". *Personality and Individual Differences*. 44, 645-65.

- Berzonsky, M. D. (۲۰۰۴).” Identity Style, parental authority, and identity commitment”. *Journal of youth and adolescence*. ۳۳(۳), ۲۱۳-۲۲۰.
- Berzonsky, M. D. (۲۰۰۳a).” Identity style and Well-Being: Does commitment matter?,” *Identity: An International Journal of Theory and Research*, ۳(۱), ۱۳۱-۱۴۲.
- Berzonsky, M. D. (۲۰۰۳b). “The structure of Identity: commentary on Jane Kroger's view of Identity status transition”. *Identity: An International Journal of Theory and Research*, ۳(۳), ۲۳۱-۲۴۵.
- Berzonsky, M. D. (۱۹۹۲).” Identity style and coping strategies”. *Journal of personality*, ۶, ۷۷۱-۷۸۸.
- Berzonsky, M. D. (۱۹۹۰).” Self-construction over the life- span: A process perspective on identity formation”. *Advances in personal construct psychology*, 1, ۱۵۵-۱۸۶.
- Berzonsky, M. D. (۱۹۸۹).” Identity style: Conceptualization and measurement”. *Journal of Adolescent Research*, ۶, ۲۶۸-۲۸۲.
- Burke, P.J. (۱۹۹۷).” An Identity model for network exchange”. *American Sociological Review*, ۶۲, ۱۳۴-۱۵۰.
- Collie. P. Kindon.S, Liu.J.A. Podsiadlowski, A. (۲۰۱۰).” Mindful identity negotiations: The acculturation of young Assyrian women in New Zealand”, *International Journal of Intercultural Relations*, ۳۴. ۲۰۸-۲۲۰.
- Cote, J.E., Levine, C.G. (۲۰۰۲), “*Identity formation, agency, and culture*”, Mahwa, NJ: Lawrence Erlbaum Associates.
- Crocetti .E, Rubini .M, Berzonsky, M. D, Meeus .W. (۲۰۰۹). “Brief report: The identity style inventory - validation in Italian adolescents and college students”. *Journal of Adolescence*, ۳۲. ۴۲۵-۴۳۳.
- Erikson, E. H. (۱۹۶۹).”*Identity: Youth and Crisis*”. New York. London.

- Hejazi,E., Shahraray,M.,Farsinejad,M.,Asgary,A.(۲۰۰۹),”Identity styles and academic achievement: Mediating role of academic self-efficacy”, *Social Psychology of Education*, 1۲, ۱۲۳-۱۳۵.
 - Hutnik,N., Coran Street,R.(۲۰۱۰), “Profiles of British Muslim identity: Adolescent girls in Birmingham”, *Journal of Adolescence*, ۳۳, ۳۳-۴۲.
 - Kroger, J., Martinussen, M., Marcia, J. E. (۲۰۰۹).” Identity status change during adolescence and young adulthood: A meta-analysis”. *Journal of Adolescence xxx* . ۱- ۱۶.
 - Kroger, J. (۱۹۹۶). “*Identity in adolescence. The balance between self and other*”, (۲nd Ed). London: Rutledge
 - Kroger, J. (۱۹۹۳), “Ego identity: An overview”, In J. Kroger (Ed.), *Discussions on ego identity*, Hillsdale, NJ: Lawrence Erlbaum Associates.
 - Kerpelman, J. L., Pittman, J. F., & Lamke, L. K. (۱۹۹۷).” Toward a micro process perspective on adolescent identity development: An identity control theory approach”. *Journal of Adolescent Research*. 1۲(۳), ۳۲۵-۳۴۶.
 - Marcia, J, E. (۱۹۸۰). “Identity and adolescence”, In J.E. Adelson (Ed.), *Hand book for Adolescent psychology*. New York: Wiley.
 - Schwartz, S. J. (۲۰۰۵). “A new identity for identity research: Recommendation for expanding and refocusing the identity literature”, *Journal of Adolescent Research*, ۲۰, ۲۹۳-۳۰۸.
- Solomontos-Kountouri, O., Hurry, J. (۲۰۰۸),” Political, religious and occupational identities in context: Placing identity status paradigm in context”, *Journal of Adolescence*, ۳1. ۲۴1-۲۵۸.
- Stets, Jan, E. & Tsushima, T, m. (۲۰۰۱). “Negative emotion and coping responses within identity control theory”. *Social Psychology Quarterly*, ۶۴(۳), ۲۸۳-۲۹۵.

- Sharp. E. H., Coatsworth. J.D., Darling.D, Cumsille. P., Ranieri. S. (۲۰۰۷). “Gender differences in the self- defining activities and identity experiences of adolescents and emerging adults”. *Journal of Adolescence*. ۳۰, ۲۵۱-۲۶۹.
- Smits. I., Soenens. B., Luychx. K., Duriez. B., Berzonsky.M.D, Goossens.L.(۲۰۰۸).” Perceived parenting dimensions and identity styles: Exploring the socialization of adolescents' processing of identity- relevant information”. *Journal of Adolescence*. ۳۱, ۱۵۱-۱۶۴.
- White, J. M., Wampler, R. S., & Winn, K. I. (۱۹۹۸). “The Identity style inventory: A revision with a sixth-grade reading level”. *Journal of Adolescent Research*, ۱۳(۲), ۲۲۳-۲۴۵.
- Yoder,A.E.(۲۰۰۰), “Barriers to ego identity status formation: A contextual qualification of Marcia’s identity status paradigm”. *Journal of Adolescence*, ۲۳, ۹۵-۱۰۶.

